

## نقش مشارکت والدین در دستیابی به اهداف آموزشی

معصومه پوررجب ، اکبر پناهی درچه ، امیرارسلان افلاکی

### چکیده

مدارس اصلی ترین نهاد تعلیم و تربیت قلمداد می گردند و عملکرد موفق این نهاد بدون حضور پررنگ و مشارکت همه جانبه والدین قابل تحقق نمی باشد. از سوی دیگر والدین اولین معلمان کودکان بشمار می آیند و اهمیت مشارکت آنان بر هیچ یک از متخصصان امر آموزش و پرورش و سیاستگذاران آموزشی پوشیده نیست. با توجه به اهمیت مشارکت اولیا در آموزش و پرورش، در این مقاله مروری سعی شده است تا نقش مشارکت والدین در دستیابی به اهداف آموزشی مورد بررسی قرار گیرد. از این رو محققان این پژوهش، با جستجوی دقیق در منابع فارسی و لاتین و بررسی تحقیقات و پژوهش های داخلی و بین المللی بیست ساله اخیر سعی نموده اند عوامل موثر بر مشارکت والدین در امور مدرسه مشخص نمایند و این عوامل را در دو گروه عوامل تاثیر گذار و عوامل تاثیر پذیر دسته بندی نمایند. در انتها با توجه به یافته های این تحقیق، پیشنهاداتی جهت افزایش مشارکت بیشتر اولیاء در امور آموزشی و مدرسه در جهت بهبود عملکرد دانش آموزان ارائه گردیده است.

**واژه های کلیدی:** مشارکت والدین، اهداف آموزشی، مدرسه، دانش آموز، اولیاء و مربیان

## مقدمه

تعلیم و تربیت زیربنای توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر کشوری می باشد و نقش عمده ای در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع دارد، بگونه ای که تاثیر توجه بیشتر به این مقوله، متوجه ی جامعه و خانواده است و آینده ی هر کشور در آئینه ی آموزش و پرورش امروز آن قابل انعکاس می باشد. در گذشته وظیفه مدارس تنها به انتقال دانش و معلومات به دانش آموزان خلاصه می شد اما امروزه به دلیل وجود پیشرفتهای سریع در اقتصاد و اجتماع و تغییر در سبک زندگی در جوامع، مدارس علاوه بر انتقال دانش و فرهنگ خود را ضامن رشد اجتماعی، عاطفی، سلامت و بهداشت جسمانی و روانی دانش آموزان نیز می دانند؛ از اینرو اهمیت مشارکت خانواده به عنوان یکی از ارکان تعلیم و تربیت بیش از پیش نمایان می شود.

در کشورهای توسعه یافته، مدارس یکی از مراکز تربیتی و آموزشی اساسی به شمار می روند و نقش مکمل خانواده در تعلیم و تربیت افراد جامعه را به عهده دارند. از اینرو برای موفقیت مدارس همکاری دو نهاد خانه و مدرسه یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. مدرسه به تنهایی قادر به آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان نیست و نیاز به شناخت خانواده و تکیه بر امکانات و توانایی های والدین و همکاری آنان در جهت بهبود امکانات آموزشی و تربیتی مدرسه می باشد، لذا مشارکت خانه و مدرسه و آگاهی هایی که متعاقب این همکاری برای والدین و مدرسه ایجاد می گردد برای تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان مهم خواهد بود، همچنین این نوع همکاریها موجب پیشگیری از نابهنجاریها در جامعه خواهد شد (قدسی، بلالی، لطیفی پاک ۱۳۹۶).

مشارکت جدی خانواده و مدرسه همیشه مورد توجه متخصصان امر آموزش و پرورش و خانواده ها بوده است و همواره تلاش شده است که رابطه ای موثر و کارآمد بین این دو گروه بوجود آید، چرا که در قبال کودکان و نوجوانان هدفهای مشترکی دارند (عقیلی ۱۳۹۲). مشارکت اولیاء در امور مدرسه شامل طیف وسیعی از امور مختلف است مانند مشارکت در عرصه های آموزشی، انضباطی، مالی، فرهنگی و اجتماعی (گنزalez<sup>۱</sup> و همکاران ۲۰۰۵). این دو گروه سعی می کنند به کودکان و نوجوانان کمک کنند تا از تعلیم و تربیت صحیح برخوردار شوند، نسبت به جامعه بی تفاوت نباشند و از نظر اخلاقی احساس مسئولیت نمایند. اما تاکنون خانه و مدرسه نتوانسته اند همکاری موفق با یکدیگر داشته باشند تا بتوانند به این اهداف والای انسانی دست یابند. در واقع مشارکت اولیاء در امر آموزش کودکانشان یکی از مباحث مهم آموزشی بشمار می آید (جینیس<sup>۲</sup> ۲۰۰۳) و محققین امور آموزشی از یک سو در پی یافتن عوامل اثرگذار بر مشارکت اولیاء و از سوی دیگر مشخص نمودن تغییراتی که پس از مشارکت اولیاء در امر آموزش بوجود می آیند، می باشند.

یکی از چالشهای اساسی در سیستم آموزش و پرورش برخی کشورها عدم وجود رابطه معنادار و ارتباطات کارآمد بین خانه و مدرسه میباشد. سیستم آموزشی کشورمان ایران نیز اگرچه جهت بهبود این رابطه قدمهای فراوانی برداشته است اما از این نقص مبری نشده است (میرکمالی ۱۳۷۹). با توجه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، یکی از اهداف کلان «افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی بویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی» تعیین شده است (بخشایش ۱۳۹۱). در این مقاله تلاش گردیده با مطالعه و بررسی سایر تحقیقات انجام شده دلایل عدم مشارکت اولیاء، عوامل اثر گذار و عوامل اثرپذیر بر روی این متغیر جمع آوری و مورد بررسی گیرد.

## بیان مساله

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تربیت به دو شاخه رسمی و غیر رسمی تقسیم شده است. تربیت رسمی که «بخشی از جریان تربیت به شکل سازماندهی شده، قانونی، عادلانه، همگانی، الزامی» قلمداد شده است با محوریت دولت اسلامی شکل می گیرد. اما این مسئولیت به هیچ وجه رافع مسئولیت دیگر ارکان تربیت از جمله: خانواده، رسانه و سازمانها و نهادهای غیردولتی نیست. در حقیقت اینکه «خانواده» چه نقشی را در دستیابی به اهداف سند تحول می تواند ایفا کند، یکی از موضوعات مهم و در خور توجه می باشد. تحث مرتبه ای از آمادگی برای رسیدن به مراتبی از حیات طیبیه در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی، تنها زمانی میسر است که همه عناصر تاثیرگذار بر تربیت از جمله «خانواده» به اهمیت و نقش جایگاه خود در عرصه تعلیم و تربیت واقف شده و نسبت به ایفای چنین نقشی، احساس مسئولیت کند. این اهمیت از دیدگاه صاحب نظران تا چه حد است و راهکارهای اجرایی و تحکیم پایه های ارتباط مدرسه و خانواده چگونه است و چه عوامل و موانعی در ایجاد این ارتباطات موثر است. این مسائل یکی از دغدغه های اصلی در دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت است. یقیناً تبیین جایگاه و نقش اولیاء در عرضه تعلیم و تربیت و زدودن موانع سد راه ارتباط بین این دو نهاد و ارائه راهکارهای عملی در نزدیکی بیشتر و هم افزایی توان آنها، گامی موثر در دستیابی به اهداف قلمداد می شود.

<sup>۱</sup> Gonzalez<sup>۲</sup> Jeynes

## عوامل اثرگذار بر مشارکت اولیاء

یکی از رفتارهای مبتنی بر یادگیری، مشارکت می باشد که در آن فرد در قالب یک گروه یا سازمان و نهاد اجتماعی در همیاری با دیگر اعضا تلاش می نماید (دهقان، ۱۳۹۶). مشارکت والدین در تصمیم گیریهای مرتبط با آموزش و پرورش، به ویژه به جنبه هایی مرتبط میشود که اولیای مدرسه به کمکهای فکری و مالی والدین برای بهبود امور مدرسه نیاز دارند. خانواده به عنوان نهادی اجتماعی که کودک عضوی از آن است در تحول ساختار شخصیتی، اجتماعی و عاطفی کودک نقش بسزایی دارد. جامعه شناسان، خانواده را به خاطر اهمیتی که در تشکیل هویت فرد و آرمانهای او دارد به عنوان گروه نخستین تلقی می کنند، از سوی دیگر برای عده ی زیادی، گروه مرجع نیز می باشد و آنان اندیشه و رفتارشان را از خانواده می گیرند و همواره درستی یا نادرستی اندیشه و رفتار را با معیارهای مورد قبول آن می سنجند. با این اوصاف خانواده یکی از نهادهای جامعه است که قواعد، ارزشها، هنجارها، رفتارهای پذیرفته شده و هماهنگ با وجدان جمعی را به افراد منتقل می کند و از این راه به انسجام و تعادل اجتماعی کمک می کند (بهبودی، ۱۳۸۷).

خانواده ها به عنوان نخستین مربیان کودک در آموزش و پرورش فرزندان سهم بسزایی دارند، خانواده فرد را می سازد و آماده ورود به مرحله ی دیگری (دبستان) می نماید. بنابراین، با توجه به اهمیت ارتباط بین خانواده و مدرسه در حل مسائل آموزشی، تربیتی و رفتاری دانش آموزان، ضروری است به شناسایی عوامل مؤثر بر ارتباط خانه و مدرسه پرداخته و در صدد رفع چالش ها و تهدیدهای آن باشیم.

فعالیت ها و برنامه های معطوف به تقویت رابطه بین خانه و مدرسه یکی از مباحثی است که در حوزه ی آموزش و پرورش بسیار به آن پرداخته شده و به میزان زیادی از نظر حجم و تنوع افزایش یافته، اما تمام مدارس آنچنانکه شایسته است از مشارکت والدین استفاده نمی کنند و مقوله ی مشارکت والدین در زمینه ی تصمیم گیری ها در هاله ای از ابهام قرار دارد. مشارکت واقعی در مدرسه زمانی صورت میگیرد که والدین از نظر ذهنی و عاطفی درگیر شوند و به عواطف آن ها توجه کافی شود. برای رسیدن به این اهداف باید به شناخت انتظار والدین از مدرسه و به تفهیم انتظارات مدرسه از والدین پرداخت (معین فر، ۱۳۸۵).

از سوی دیگر، عدم شرکت والدین در امور مدرسه به علت عدم علاقه ی آنان در رشد و پیشرفت فرزندشان نیست، بلکه عواملی مانند زمان، فاصله و کارهای روزمره دخالت دارند. همچنین آنان معتقدند که والدین از طبقات اجتماعی - اقتصادی پایین به برقراری ارتباط با مدرسه گرایش دارند، اما به علت آنکه فکر می کنند نقش آنان محدود است کمتر خود را درگیر می کنند. البته باید توجه داشت که فراهم کردن زمینه های مشترک در والدین نباید به صورت امری و دستوری صورت پذیرد چون افراد هنگامی به شکل واقعی در برنامه ها مشارکت می کنند که احساس کنند برنامه ریزان برایشان ارزش قائلند و در مورد نیازهایشان مورد مشورت قرار میگیرند (بهبودی، ۱۳۸۷).

گاهی عدم شناخت والدین از اهداف و کارکردهای آموزگاران و سایر نیروهای آموزشگاه، منجر به کم رنگ شدن رابطه ی خانه و مدرسه میشود و والدین رغبت چندانی به مشارکت نشان نمی دهند که باید این شکاف در شناخت از بین برده شود. از دیگر موانع برقراری رابطه ی خانه و مدرسه، نگرش نادرست برخی مدیران و عدم واگذاری برخی از فعالیتهای والدین است. اعتقاد به خودمحوری در زمینه ی اداره ی مدرسه موجب از بین رفتن حق اظهار وجود از دیگران میشود. در حالی که مدیریت مشارکت جویانه، مدرسه را متعلق به همه ی افراد و همه ی افراد را متعلق به مدرسه می داند و به همگان حق اظهار نظر و مشارکت در امور را می دهد. این روش به اعتماد، توسعه ی مهارت ها، افزایش انگیزه، خلاقیت و یافتن راهها و روش های بهتر در انجام برنامه ها می انجامد.

زمینه های مشارکت والدین با مدرسه لازمه ی مشارکت همه جانبه ی یک جامعه، به وجود آمدن زمینه ورود نهادهای مردمی و اجتماعی در آموزش و پرورش است. از جمله راهبردهایی که بتوان برای ارتباط بیشتر والدین با مدرسه اشاره نمود: برگزاری هم اندیشیها، دیدار از خانه ی شاگردان، ایجاد مراکز والدین، شرکت در تصمیم گیری ها، برنامه های آموزشی والدین، فعالیت های یادگیری و شبکه ی خانواده و مدرسه است که می تواند منجر به همکاری در قالب حمایت از سوی مدرسه و خانه شود. بنابراین، پیوند و ارتباط مستمر والدین و مربیان آنان را در انتخاب بهترین و مؤثرترین روشها در تأمین نیازها و رفع مشکلات یاری خواهد نمود (بهبودی، ۱۳۸۷).

یزدخواستی و عباس زاده (۱۳۸۶)، در پژوهش خود دریافتند که مشارکت اولیاء بیش از هر متغیری از عامل روانی تاثیر پذیرفته است؛ همچنین متغیرهای ساختاری، درآمد، عامل رسانه ای و سن بر میزان مشارکت اولیاء تأثیرگذار می باشد. از سوی دیگر سبحانی نژاد و یوزباشی (۱۳۹۲) معتقدند که اقتصاد خانواده بر عدم مشارکت اولیای دانش آموزان در امور مدارس نقشی بیشتر از سایر متغیرها دارد و پس از آن به ترتیب مقوله های فرهنگ خانواده، سطح تعامل خانواده، سن والدین، رعایت علایق دانش آموزان و مشکلات خانوادگی قرار دارند.

یافته های پژوهش چان و هونگ<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) درباره ی مشارکت والدین در شوراهای مدارس نشان میدهد عوامل مختلف همچون آمادگی و پذیرش متقابل بین والدین و معلمان، تعهد به مشارکت، رضایت والدین از مشارکت خود و سهم و کمک مالی والدین به مدرسه دارای ارتباط مستقیم با عمل موفقیت آمیز شوراهای مدرسه هستند.

یافته های پژوهش فلچر<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۹) نشان میدهد والدین به عنوان عامل اساسی برون سازمانی و معلمان به عنوان عوامل درون سازمانی، نقشی قابل توجه در پیشرفت تحصیلی کودکان دارند و در واقع بدون مشارکت فعال و مداوم والدین مدارس به اهداف حقیقی خود دست نمی یابند. یافته های پژوهش کونگ و لی<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) پیرامون همکاری بین مدرسه و اولیاء در تقویت سواد اطلاعاتی نشان میدهد والدین با مدارس مشارکت چند گانه دارند و همچنین نمرات درسی دانش آموزان به طور مستقیم با رفتار پدر و مادر با مدارس ارتباط دارد.

قدسی، بلالی و لطیفی پاک (۱۳۹۶) دریافتند که سطح مشارکت اولیاء در مدارس هیئت امنایی بیشترین میزان مشارکت را نسبت به سایر مدارس دارند. بارزترین تفاوت میان مدارس هیئت امنایی با سایرین در شیوه ی اداره و مدیریت این مدارس است که توسط هیئت امناء میباشد که به نظر میرسد چون شیوه ی اتخاذ تصمیمات در این مدارس گروهی است، تصمیمات منعطف و خالی از یک جانبه نگری است، شاید به واسطه ی این شرایط است که، اولیاء در ابراز نظرات اختیارات بیشتری دارند و رأی و نظر آنها بیشتر مورد اقبال قرار میگیرد و همین امر عاملی برای افزایش میزان مشارکتشان شده است. همچنانکه، عقلی (۱۳۹۲) اظهار نموده است که توجه به نیازهای اولیاء و توسعه انجمن های اولیاء و مربیان نقش بسزایی در مشارکت والدین در امور مدرسه دارد.

از سوی دیگر، جو مثبت مدرسه (پوررجب و همکاران ۲۰۱۵) و جوصمیمی مدرسه (تاجبخش ۱۳۸۴)، نوع مدرسه، سطح تحصیلات والدین (چهاردولی ۱۳۷۸) و سطح آگاهی اولیاء (محمدی ۱۳۷۹)، موقعیت مکانی مدرسه و اعتقادات مذهبی خانواده (جینس<sup>۶</sup> ۲۰۰۳)، فاصله منزل تا مدرسه (سمرکا<sup>۷</sup> ۲۰۰۱)، کیفیت روابط والدین با فرزندشان (گرولمیک، سلویازک<sup>۸</sup> ۱۹۹۴) نیز از عوامل اثر گذار بر روی مشارکت اولیاء شناخته شده است.

### عوامل تاثیر پذیر از مشارکت اولیاء

مشارکت اولیای دانش آموزان در امور مدرسه سبب سوق یافتن امکانات معنوی، علمی، آموزشی، تربیتی و مالی جامعه به سمت مدارس میشود. در پرتو چنین رویدادی نیروهای انسانی خلاق، ماهر و متخصص به نحو مطلوب پرورش مییابند. والدین به شکلهای گوناگون میتوانند در تعلیم و تربیت فرزندان خود مشارکت کنند، مانند کمک به شناخت ویژگیهای روانی دانش آموزان، بررسی نارساییهای آموزشی و کمک به برنامه ریزی و اجرای برنامه های آموزشی و کمک به شناخت علل رفتارها و اصلاح آنها. مدیر مدرسه در جلب مشارکت اولیاء نقشی مهم بر عهده دارد. در حقیقت حلقه اتصال میان مدرسه و حرکت مردمی، مدیریت مطلوب است (عصاره، ۱۳۷۸). در بسیاری از موارد اما شاهد هستیم که مشارکت اولیاء در امور مدرسه چندان بالا نیست. شاید بتوان گفت که علت چنین مشارکت پایینی، دخالت کمی است که اولیاء در تصمیم گیریها و برنامه ریزیهای مدرسه دارند. گاهی مدیران مدارس، مشارکت اولیاء را تنها شامل مسائل مادی و مالی میدانند. همین امر سبب میشود اولیاء وظایف خود را تنها در همین چارچوب مادی بدانند. در حالیکه حضور والدین در مدرسه و داشتن ارتباط با معلمان سبب ایجاد فرصتهایی برای آموزش بهتر و تربیت موثرتر فرزندان ایشان می باشد (دهقان و سراجیان، ۱۳۹۶).

اگر متوجه شویم که چگونه ارتباطات خانواده بر یادگیری کودکان اثرگذار است، آن وقت به برنامه هایی برای رشد بهتر فرزندانمان می اندیشیم. ساز و کاری که براساس ارتباط خانواده با مدرسه موجب می شود معلم درک بهتری از دانش آموز پیدا کند و در نتیجه احساس مسئولیت بیشتری در قبال او داشته باشد از طرف دیگر دانش آموز نیز با توجه به ارتباط والدینش با مدرسه، انگیزه بیشتری برای مدرسه رفتن پیدا نموده و این امر خود می تواند منجر به افزایش یادگیری شود (البرزی، ۱۳۸۲). پژوهشها نشان می دهند مشارکت والدین در امور مدرسه موجب نگرش مثبت والدین نسبت به خود، مدرسه و نقش کادر آموزشی در رشد و تربیت فرزندشان می شود (البرزی، ۱۳۸۲). همچنین، والدینی که در برنامه های مدرسه مشارکت میکنند، احساس مثبت تری نسبت به مدرسه و آموزش و پرورش کودکانشان احساس میکنند تا والدینی که در این گونه برنامه ها شرکت نمی کنند. از سوی دیگر عقلی (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان داد که مشارکت اولیاء در امور مدرسه منجر به افزایش احترام متقابل بین خانه و مدرسه، تقویت شخصیت فردی و اجتماعی دانش آموز، تقویت حس وظیفه شناسی دانش آموز،

<sup>۳</sup> Chan & Hong

<sup>۴</sup> Fletcher

<sup>۵</sup> Kong & Li

<sup>۶</sup> Jeynes

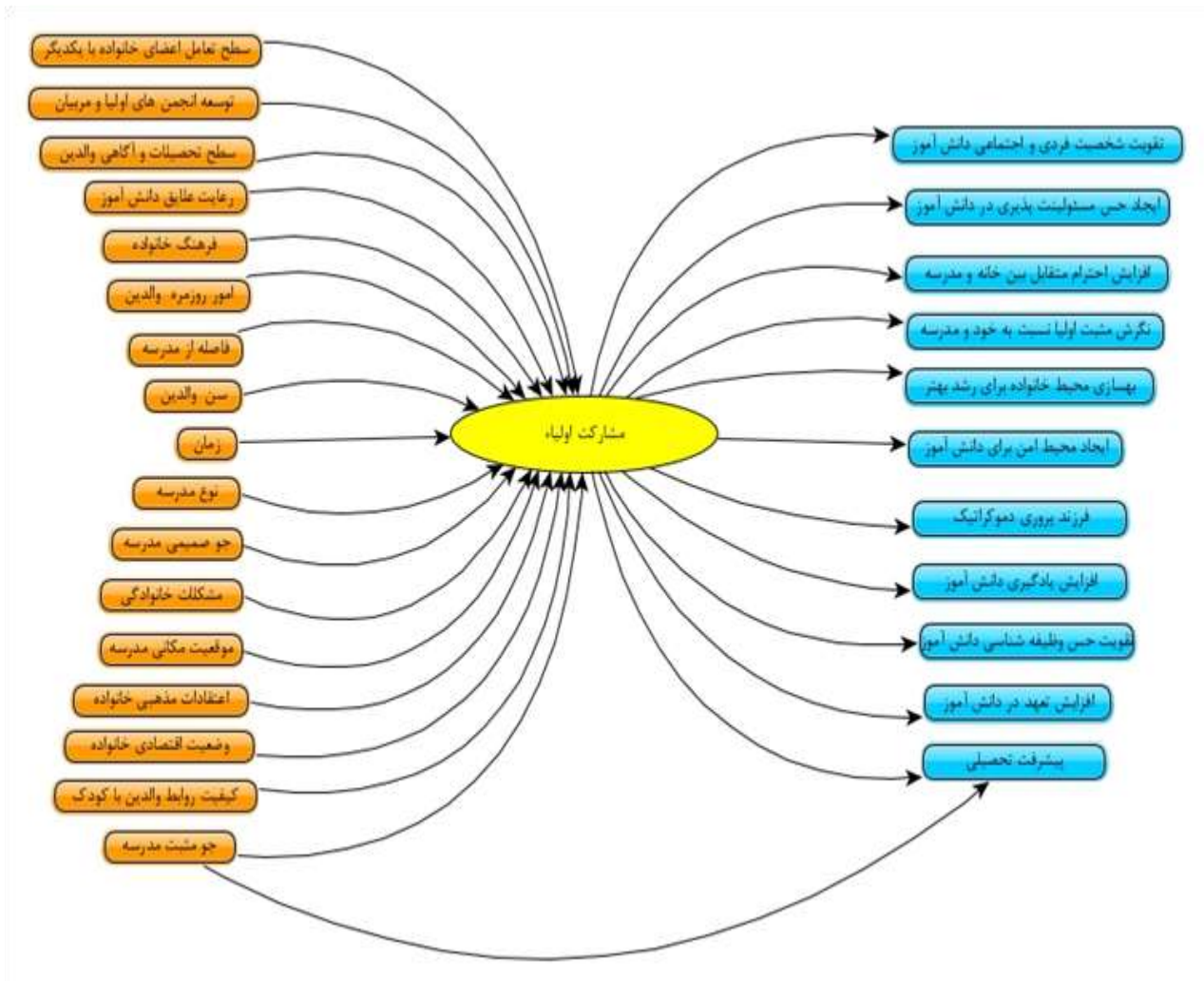
<sup>۷</sup> Semerka

<sup>۸</sup> Grolmick, Slowiaczek

بهسازی محیط خانواده برای رشد بهتر، ایجاد محیط امن برای دانش آموز و ایجاد حس مسئولیت پذیری در دانش آموز می گردد.

سبحانی و یوزباشی (۱۳۹۲) معتقدند که مشارکت بیشتر اولیاء در امور مدرسه منجر به افزایش تعهد در کودکانشان می شود و از سوی دیگر موجب به وجود آمدن فرزندپروری دموکراتیک در خانواده می گردد (گرولمیک، سلویازک ۱۹۹۴) و شاید مهمترین عامل اثرپذیر از این نوع مشارکت، منجر به پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان (سبحانی و یوزباشی ۱۳۹۲، دهقان و سراجیان ۱۳۹۶) می گردد.

با توجه به مطالب ارائه شده در دو قسمت قبل، کلیه عوامل اثر گذار بر مشارکت اولیاء و اثر پذیر از مشارکت اولیاء در مدرسه در شکل شماره ۱ به نمایش گذاشته شده است.



شکل شماره ۱: عوامل اثر گذار و اثرپذیر در مشارکت اول

## پیشنهادهای

- به منظور افزایش مشارکت والدین با مدرسه موارد زیر پیشنهاد می گردد:
۱. تقویت انجمن های اولیاء و مربیان: انجمن ها محافل خوبی برای ایجاد روحیه ی تعاون و همکاری است. البته این انجمن ها از حالت انتقال یکسویه اطلاعات باید فاصله بگیرند و جنبه مشارکتی پیدا کنند. مدیران مدارس می توانند با تکیه بر اصول علمی، فلسفی و مذهبی، انجمن های مدارس را تقویت کرده و تصمیمات خود را بر پایه ی مشورت استوار سازند.
  ۲. تشکیل انجمن های والدین (سازمان های مردم نهاد): جایی است که والدین می توانند خانواده هایی با نیازهای مشابه خودشان را ملاقات کنند و به یکدیگر کمک کرده و حمایت های عاطفی و نیازهای اطلاعاتی همدیگر را فراهم سازند. در این انجمن ها، والدین اجازه می یابند تا در قالب یک صدای واحد، نیازها و اهداف مورد نظر انجمن را بیان کرده و با مدیران و رهبران جامعه در میان بگذارند.
  ۳. برگزاری هم اندیشی و کارگاه های آموزشی برای والدین: خانواده های کودکان برای برخورد درست با فرزند خود حتماً باید از آموزش های لازم و مستمر بهره مند شوند. این آموزش ها موجب کاهش مشکلات آنان خواهد شد. به شرط آنکه بر پایه یک نیاز سنجی صحیح علمی صورت گرفته باشد.
  ۴. تقویت برنامه ها و خدمات پشتیبانی و حمایت از خانواده (ساختارهای حمایتگرانه): وجود میانجی و خدمات میانجیگری در مدرسه موجب نزدیک شدن والدین به مدرسه و آگاه ساختن آنان از انتظارات، قانون ها و مقررات مدرسه می شود. میانجی به والدین کمک می کند تا با شناخت و نظارت بیشتر به وضع تحصیلی و رفتاری کودکان، وظیفه خود را به عنوان ولی بهتر انجام دهد. به عبارت دیگر، میانجی نقش واسطه را بین مدرسه و دانش آموز، مدرسه و خانواده و دانش آموز و خانواده بازی می کند (بازرگان، ۱۳۷۹). مدرسه باید کانون اصلی ارائه ی خدمات به کودک و خانواده باشد و گروه فعالی از متخصصان مدرسه نیازهای خاص کودکان و خانواده ها را ارزیابی کرده و متناسب با آن برنامه هایی تدوین کنند.
  ۵. توسعه ی برنامه مشارکت خانواده در آموزش: این برنامه تأکید بر این دارد که پدر و مادر، خانواده و خانه واحدهای آموزشی هستند. همچنین از مشارکت والدین می توان در زمینه ی تصمیم گیری برنامه های درسی استفاده نمود (در بسیاری از کشورها والدین نقش و تأثیر بسزایی در برنامه ریزی درسی مدارس دارند و حتی در پاره ای از کشورها همچون مصر و اندونزی، حق تعیین ۲۰ تا ۳۰ درصد محتوای درسی به موجب قانون به خانواده ها واگذار شده است (فتحی، ۱۳۸۳). در سند تحول بنیادین تهیه ۱۰ تا ۲۰ درصد محتوای آموزشی را به ادارات کل آموزش و پرورش استانها واگذار گردیده است. هدفی که تاکنون به جهت ملاحظات مختلف تحقق نیافته است. می بایست از تمرکزگرایی اجتناب نمود و با اعتماد به استانها زمینه مشارکت آنها را در تهیه منابع درسی با توجه به نیازی که اولیاء رصد می کنند، فراهم نمود.
- در پایان پیشنهاد می شود با توجه به اهمیت نقش خانواده به عنوان زمینه ساز رشد و شخصیت کودکان و تأثیر آن در آموزش و پرورش ضروری است نگرش مدیران و تصمیم گیران آموزش و پرورش از نظام آموزشی متمرکز و عدم اطمینان به همکاری گروهی (ساختار سنتی و فرسوده) و محدود شدن تعامل خانه و مدرسه به مسائل مالی به سمت تلاش برای بازآفرینی و بازسازی جو مدارس از راه برنامه ریزی برای تغییر نگرش در محیط و بستر سازی مشارکت همگانی تغییر یابد (البته باید توجه داشت که هرگونه تغییر ساختار اداری و آموزشی، بایستی براساس پژوهشهای اجتماعی باشد نه برطبق سلیقه های شخصی).

## منابع

۱. البرزی، شهلا (۱۳۸۲). روشهای نوین ارتباط والدین با مدرسه، انتشارات پژوهشکده ی خانواده.
۲. بازرگان، زهرا (۱۳۷۹). میانجیگری در مدرسه، انتشارات مدرسه.
۳. بخشایش، فاطمه شهرزاد (۱۳۹۱). رویکرد علوم اجتماعی در سند تحول بنیادین، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۱۵.
۴. بهبودی، هایده (۱۳۸۷). اهمیت مشارکت والدین در فعالیتهای مدرسه، تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۸۷.
۵. تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. تهران: انتشارات شیراز.
۶. چهاردولی، علی نعمت (۱۳۷۸). بررسی راه های جلب مشارکت مردمی در امور آموزش و پرورش استان همدان، اداره کل آموزش و پرورش استان همدان.
۷. دهقان، حسین (۱۳۹۶). مشارکت اجتماعی و رسانه های جمعی: با تأکید بر رفتار مشارکت جویانه ذی نفعان در آموزش و پرورش، تهران: انتشارات رشد.
۸. دهقان، حسین، سراجیان، مروارید مهدی (۱۳۹۶). رابطه سرمایه اجتماعی خانوادگی و مشارکت والدین در امور مدرسه با موفقیت تحصیلی دانش آموزان، فصلنامه خانواده و پژوهش، شماره ۳۶، صص ۲۷-۷.



۹. سبحانی نژاد، مهدی و یوزباشی، علیرضا (۱۳۹۲). بررسی موانع خانوادگی مشارکت اولیای دانش آموزان در امور مدارس متوسطه ی شهر اصفهان، پژوهشهای آموزش و یادگیری، شماره ی ۳.
۱۰. عصاره، علیرضا (۱۳۷۸). راه های عملی مشارکت مردم در آموزش و پرورش. مجله فرهنگ مشارکت، شماره ۲۱ و ۲۰.
۱۱. عقیلی، رضا (۱۳۹۲). شرکت فعال خانواده ها در جلسات انجمن اولیاء و مربیان، رشد مدیریت مدرسه، شماره ۸، صص ۱۴-۱۶.
۱۲. فتحی، کوروش (۱۳۸۳). مفهوم پردازی رویکردهای مشارکت والدین در تصمیم گیری برنامه ی درسی مدرسه، نخستین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران.
۱۳. قدسی، علی محمد، بلالی، اسماعیل و لطیفی پاک، ندا (۱۳۹۶). بررسی تاثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت اولیاء در امور مدارس در همدان، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۸۱-۱۰۶.
۱۴. محمدی، جهانگیر (۱۳۷۹). راهبردهای مشارکت مردمی در آموزش و پرورش از نظر مدیران سه دوره تحصیلی شهرستان نجف آباد اصفهان، دبیرخانه شورای تحقیقات، اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.
۱۵. معین فر، محمود (۱۳۸۵). اصول و عوامل برقراری ارتباط میان اولیاء و مربیان، پیوند، ۳۲۴.
۱۶. میرکمالی، محمد (۱۳۷۹). روابط انسانی در آموزشگاه، تهران: نشر سیطرون.
۱۷. یزدخواستی، بهجت و عباس زاده، محمد (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت والدین دانش آموزان در امور مدرسه ای؛ دانش آموزان مقطع متوسطه ی استان آذربایجان شرقی، مجله ی علوم تربیتی و روانشناسی، شماره ی ۳.

۱. Chan, B., Hong Sh. (۱۹۹۷). Parental participation in schools councils in Victoria, Australia, international", journal of educational management .vol.۱۱, Iss: ۳۳, pp.۱۰۲-۱۱۰.
۲. Kong, Siu Cheung, Li, Kai Ming (۲۰۰۹). Collaboration between school and parents to foster information literacy: Learning in the information society; Computer & Education, Vol. ۵۲, Iss: ۲, pp. ۲۷۵-۲۸۲.
۳. Fletcher, J.; Parkhil, F.; Fa'afoi, A.; Taleni, Leali'ie'e T.; O'Regan, B. (۲۰۰۹). Pacifica students: teachers and parents voice their perceptions of what provides supports and barriers to Pacifica students' achievement in literacy and learning; Teaching and Teacher Education: An International Journal of Research and Studies, ۷۲۵, No. ۱ p۲۴-۳۳.
۴. Jeynes, William, M. (۲۰۰۳). The effect of parental involvement on minority children's academic achievement, Education and urban society, Vol.۳۵, No. ۲, pp ۲۰۲-۲۱۸.
۵. Gonzalez, D., Alyssa, R., Williems, P., Doan, H. M. (۲۰۰۵). Examining the relationship between parental involvement and student motivation, Educational psychology review, Vol. ۱۷, No. ۲.
۶. Pourrajab, M., Roustae, R., Talebloo, B., Kasmaienezhadfar, S., & Ghani, M. F. B. (۲۰۱۵). School Climate and Parental Involvement: The Perception of Iranian Teachers. Global Journal of Commerce& Management Perspective, ۴(۱), ۱۱-۱۸.

## The role of parents' involvement to achieve educational goals

### Abstract

Schools are the central part of education system and the successful performance of them as the main goal of the education system cannot be achieved without involvement of parent in school affairs. On the other hand, parents have been considered as a first teacher for children at home and the importance of parent involvement is not covered by educational policy-makers and educational scholars. With consider the importance of parental involvement, in this review article, the authors attempted to study the role of parental involvement in achieving educational goals. Thus, we review domestic and international researches of recent ۲۰ years' in order to identify the role and effect of parental involvement on school affairs and education system, and then classified these effects on two groups. At the end based on the findings, we are offering constructive suggestions to increase parents' involvement in education system and schools to enhance better result for student outcomes.

**Keywords:** Parents' involvement, educational goals, school, student